



حمله حامیان دولت به مهران مدیری به خاطر حضور در تلویزیون و طرح کنایه‌های بزنینی

بی‌تدبیری علیه مدیری

صفحه ۸

پرونده ویژه «وطن امروز» در مورد تردیدهای جدی درباره محقق شدن منابع درآمدی پیش‌بینی شده دولت در سال آینده و شواهد تداوم راهبرد مذاکره با آمریکا و دادن امتیازهای بیشتر

سایه ترامپ بر بودجه ۹۹

صفحات ۲ و ۳

جوابیه

توضیح «وطن امروز» درباره تذکر وزارت ارشاد به خاطر تیتیر «خرپزه آبه»

خرپزه نانه؟!

شامگاه دوشنبه رسانه‌های حامی حسن روحانی به نقل از «علاءالدین ظهوریان» دبیر هیات نظارت بر مطبوعات اعلام کردند روزنامه «وطن امروز» به دلیل تیتیر «خرپزه آبه» که به بهانه سفر روحانی به ژاپن و درباره رویکردهای غلط دولت در سیاست خارجی، در شماره مورخ شنبه ۳۰ آذرماه ۹۸ منتشر شده بود، از هیات نظارت بر مطبوعات تذکر گرفته است. در متن تذکر معاونت امور مطبوعاتی وزارت ارشاد به «وطن امروز» آمده است: «موضوع درج تیتیر «خرپزه آبه» در صفحه اول شماره مورخ ۱۳۹۸/۹/۳۰ روزنامه «وطن امروز» در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۷ هیات محترم نظارت بر مطبوعات مطرح و به دلیل بار اهانت‌آمیز آن نسبت به نخست‌وزیر ژاپن مغایر مصالح و منافع ملی تشخیص داده شد.»

اما پاسخ «وطن امروز»:

۱- ماهیت و خاستگاه تیتیر «خرپزه آبه» کاملاً مشخص و مشهود است که این عبارت، بخشی از همان ضرب‌المثل معروف فارسی است که می‌گوید «فکر نان باش که خرپزه آبه» در گزارش «وطن امروز» نیز خاستگاه این تیتیر کاملاً توضیح داده شده و تصریح شده است مسیر امیدواری به توان و تصمیم خارجی، یک مسیر سودمند و اثرگذار برای اقتصاد ایران نخواهد بود. در بخشی از این گزارش نوشته شده است: اگر حاصل این توافق انتقال بخشی از پول بولکه نفت ایران باشد، این ارز مسکن مقطعی است که پس از مصرف آن آمده را بدتر از قبل خواهد کرد. راه‌حل عبور از فشار تحریم‌ها نه مسکن‌های مقطعی که اتکا به توانمندی‌های داخلی و تغییرات اساسی در ساختار بودجه است... روحانی و به تبع آن مردم ایران از کردن به امتیازات کشورهای غربی در ماجرای برجام‌گزیده شده‌اند. شرایط امروز اقتصادی ایران نیز نتیجه همان دلخوشی و اعتنا ساده‌لوحانه به غرب و اجرای تعهداتش است. تکرار چنین اشتباهی وضعیت به مراتب بدتری از گذشته را به وجود خواهد آورد. باید فکر درمان ریشه‌های ساختار اقتصادی و تاثیرپذیری آن از تحولات خارجی کرد. اگر نه توفیق مقطعی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی چندان افاقه نمی‌کند و یادآور همان ضرب‌المثل معروف است که: «فکر نان باش که خرپزه آبه است.»

به غیر از این متن صریح که مسیر هرگونه شائبه و بهانه‌جویی‌های دولتی‌ها را مسدود می‌کند، در رویت‌ها نیز این موضوع کاملاً مورد اشاره قرار گرفته است. تیتیر «خرپزه آبه» ذیل این ۲ رویت درج شده است: «سفر روحانی به ژاپن انجام شد/ توافقات تهران - توکیو تا چه اندازه می‌تواند در کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در مقابل تحریم‌ها مؤثر باشد» و «گزارش «وطن امروز» درباره ضرورت اصلاح بودجه ۹۹ در حوزه‌های ساماندهی نظام مالیاتی و قطع وابستگی به نفت.»

همانگونه که مشخص است، گزارشات «وطن امروز» در صفحات ۲ و ۳ تاریخ مذکور، کاملاً یک رویکرد تحلیلی دربار ه‌زهرینه‌ها و نتایج مسیر غلط معطل گذاشتن کشور برای تصمیم‌گیری خارجی است. بنابراین قطعاً تیتیر «وطن امروز» نه تنها کمترین اهانتی به حسن روحانی و نخست‌وزیر ژاپن ندارد، بلکه محتوا و ماهیت آن برای همه آگاهان است و تذکر وزارت ارشاد به هیچ قابل قبول نیست.

۲- ما معتقدیم ماشین سرکوب دولت امنیتی حسن روحانی برای بسنن دهان منتقدان، اگر چه طی ۶ سال گذشته یک رکورد بی‌سابقه را درباره نبود و هزینه‌های آزادی بیان و آزادی مطبوعات ثبت کرده است اما حالا در شرایط فعلی بویژه پس از شکست دامنستان برجام و خرد شدن ستون فقرات ایده «بستن با آمریکا» و خرد شدن فزات مشکوک و پرهزینه گران کرده بنزین، دیگر هیچ کارکردی نتواند داشته، چرا که دولت مستقر در بحران رو به تزايد بی‌اعتباری در افکار عمومی است.

آقایان دولتی با کدام اعتبار و اعتماد به نفس سفارش بر خورد با «وطن امروز» را می‌دهند در حالی که «وطن امروز» بدون ذراتی توهمین، تنها با ذکر بخشی از یک ضرب‌المثل به آنها یادآور شده شرایط فعلی کشور محصول بیش از ۶ سال استی و تن‌پروری و امیدواری به دولت بود. بویژه پس از ماجرای گرانی بنزین و تبعات مالی و جانی و امنیتی آن، باید دولت دست از تداوم این رویکرد بی‌نتیجه و پرهزینه بردارد و به توان و قدرت و ظرفیت‌بزرگ داخلی تکیه کند؟ ما معتقدیم این رویکرد جز ایجاد هزینه‌های اقتصادی و معیشتی و جانی هیچ دستاوردی برای مردم ایران نداشته است. غیر از این هزینه‌ها، مناسفه‌گویی دولت به مخدوش شدن عزت ملی نیز بی‌توجه است و متوجه نیست در مسیر لایه به خارجی‌ها، حالا آبه شینزو، رئیس یکی از مستعمرات آمریکا نیز جزو خطوط قرمز آنها شده است ...

ادامه در صفحه ۲

شروین طاهری: دبیروز هواداران باشگاه استقلال بار دیگر مقابل ساختمان اداری باشگاه جمع شدند. جمعیتی خلوت‌تر و البته بسیار آرام‌تر از آنچه ۲ هفته پیش شاهد بودیم و البته این بار مشغول از غم و نه خشم، آنها این بار به جای بازگشت فوری آندره استراماچونی به نیمکت‌شان، صرفاً خواهان تعیین تکلیف کادر فنی توسط مدیران شدند.

گویی تجمع استقلالی‌ها در نخستین روزهای پس از فرار شائبه سرمربی ایتالیایی، حالا در محله سعادت‌آباد تهران جای خود را به احساس عمیق‌تری شک و ظن به یار و دلدار به سیاق فیلم «سعادت‌آباد» داده است. اگر بخواهیم این تغییر فضا روی سکوها و داخل رختکن استقلال را براساس نمایشنامه‌های کلاسیک اروپایی بویژه شاهکارهای ویلیام شکسپیر، به گونه‌ای قابل فهم برای رسانه‌های آن طرف و شخص خود آندره استراماچونی و همسر هنرمندش تشریح کنیم، می‌توانیم بگوییم در این فاصله به تدریج که آسمان تهران را غباری تیره فرا می‌گرفت، آن رابطه عشقی آنتین «ومو-ژولینی» آبی‌ها با سرمربی‌شان در نخستین روزهای فراق رخت بربسته و ظنی «تالو» گونه نسبت به خود او در وجودشان رخنه کرده است، به طوری که متعاقب افشای شروط یازده‌گانه و یزاده‌خواهانه استراماچونی توسط علی فتح‌الله‌زاده، دبیروز تازه‌ترین نظرسنجی‌های معتبر حکایت از آن داشت که دلواپسان استقلال به وضوح نسبت به مربی خارجی خود تغییر عقیده داده‌اند. در نظر سنجی خیرگزاری ایسا (از حدود ۳ هزار رای‌دهنده مجازی) بیش از ۷۰ درصد در نظرسنجی کانال تلگرامی برنامه فوتبال برتر (از حدود ۷ هزار رای‌دهنده برخط) بیش از ۶۰ درصد هواداران خواهان عدم بازگشت او شده بودند.

اگر دوآتشه‌های حامی آبی‌پوشان پایتخت، در طغیان نخستین فوران خشم سرخ‌شان نشان دادند از اینکه دولت روحانی - که منتهم به پرسپولیسی بودن می‌شود - همچنین وزارت ورزش و مدیریت انتصابی‌اش در باشگاه به «عشق ایتالیایی» آبی‌ها خیانت کرده‌اند و او را بر داده‌اند، اینک با گذشت زمان و کنار رفتن پرده‌ها از اصل ماجرا، فضایی خاکستری‌تر بر ذهنیت هواداران استقلال حاکم شده و کم‌کم معلوم می‌شود آنها با پدیده‌های بسیار پیچیده‌تر مواجه هستند؛ اینک در حالی بزرگ‌تر از داستان، فن‌سالاری اروپایی را روی صحنه نمایش مشاهده می‌کنیم که همانقدر که در امر مربیگری فوتبال حرفه‌ای است، یک حقوقدان و یک بازیگر - کارگردان رسانه‌ای کار کشته هم به شمار می‌آید. این عجز به اجنبی با به بازی گرفتن استقلال - یا آنطور که برخی پیشکسوتان باشگاه گفته‌اند با گروگان گرفتن احساسات و عواطف هواداران وطنی - در حال اجرای نقشه‌ای دقیق برای دریافت تمام رقم ۶۰۰ هزار یورپی سال اول قراردادش آن هم در مقطعی نرسیده به نیم‌فصل است، بدون اینکه تضمینی جدی برای بازگشتش به ایران بدهد.

این واقعیتی بود که ۴ ماه پیش یکی از موفق‌ترین منابع اخبار فوتبال جهان آن را فاش کرد اما باور نمی‌کردیم. در نخستین هفته‌های لیگ برتر که استقلال هنوز در زمین و جدول سیمایی یک تیم بحران‌زده را داشت و تصویری که از سرمربی جدید و جوان ایتالیایی‌اش در رسانه‌های بین‌المللی منعکس می‌شد، یک تکنیسین ناراضی و به سوتو آمده از شرایط کاری‌اش در ایران بود، جان لوکا دی‌مارتسیو، سوپرزورنالیست معروف ایتالیایی، به فوتبال ایران شوک داد. او که اعتبارش را از برملا کردن پشت پرده قراردادهای و نقل‌وانتقالات بزرگ‌ترین ستاره‌های فوتبال اروپا به دست آورده است، فاش کرد استراماچونی از شرایط کاری خود در تهران راضی نیست - از جمله به خاطر منتفی شدن حق دلایی‌اش به خاطر عدم جذب بازیکنانی از کالجو که مدیر برنامه‌های او به استقلال معرفی کرده بود - و دیر یا زود جدا می‌شود.

البته استرا به عنوان یک فاعل‌تحت‌تحصیل رشته حقوق بخواهی می‌دانست که طبق قوانین فیفا، اگر یک مربی رأساً اقدام به ترک پست خود کند، نمی‌تواند انتظار دستمزد یا غرامت از باشگاه داشته باشد، پس از خیانت کرده‌اند و او را بر داده‌اند، اینک با گذشت زمان و کنار رفتن پرده‌ها از اصل ماجرا، فضایی خاکستری‌تر بر ذهنیت هواداران استقلال حاکم شده و کم‌کم معلوم می‌شود آنها با پدیده‌های بسیار پیچیده‌تر مواجه هستند؛ اینک در حالی بزرگ‌تر از داستان، فن‌سالاری اروپایی را روی صحنه نمایش مشاهده می‌کنیم که همانقدر که در امر مربیگری فوتبال حرفه‌ای است، یک حقوقدان و یک بازیگر - کارگردان رسانه‌ای کار کشته هم به شمار می‌آید. این عجز به اجنبی با به بازی گرفتن استقلال - یا آنطور که برخی پیشکسوتان باشگاه گفته‌اند با گروگان گرفتن احساسات و عواطف هواداران وطنی - در حال اجرای نقشه‌ای دقیق برای دریافت تمام رقم ۶۰۰ هزار یورپی سال اول قراردادش آن هم در مقطعی نرسیده به نیم‌فصل است، بدون اینکه تضمینی جدی برای بازگشتش به ایران بدهد.

این واقعیتی بود که ۴ ماه پیش یکی از موفق‌ترین منابع اخبار فوتبال جهان آن را فاش کرد اما باور نمی‌کردیم. در نخستین هفته‌های لیگ برتر که استقلال هنوز در زمین و جدول سیمایی یک تیم بحران‌زده را داشت و تصویری که از سرمربی جدید و جوان ایتالیایی‌اش در رسانه‌های بین‌المللی منعکس می‌شد، یک تکنیسین ناراضی و به سوتو آمده از شرایط کاری‌اش در ایران بود، جان لوکا دی‌مارتسیو، سوپرزورنالیست معروف ایتالیایی، به فوتبال ایران شوک داد. او که اعتبارش را از برملا کردن پشت پرده قراردادهای و نقل‌وانتقالات بزرگ‌ترین ستاره‌های فوتبال اروپا به دست آورده است، فاش کرد استراماچونی از شرایط کاری خود در تهران راضی نیست - از جمله به خاطر منتفی شدن حق دلایی‌اش به خاطر عدم جذب بازیکنانی از کالجو که مدیر برنامه‌های او به استقلال معرفی کرده بود - و دیر یا زود جدا می‌شود.

البته استرا به عنوان یک فاعل‌تحت‌تحصیل رشته حقوق بخواهی می‌دانست که طبق قوانین فیفا، اگر یک مربی رأساً اقدام به ترک پست خود کند، نمی‌تواند انتظار دستمزد یا غرامت از باشگاه داشته باشد، پس از خیانت کرده‌اند و او را بر داده‌اند، اینک با گذشت زمان و کنار رفتن پرده‌ها از اصل ماجرا، فضایی خاکستری‌تر بر ذهنیت هواداران استقلال حاکم شده و کم‌کم معلوم می‌شود آنها با پدیده‌های بسیار پیچیده‌تر مواجه هستند؛ اینک در حالی بزرگ‌تر از داستان، فن‌سالاری اروپایی را روی صحنه نمایش مشاهده می‌کنیم که همانقدر که در امر مربیگری فوتبال حرفه‌ای است، یک حقوقدان و یک بازیگر - کارگردان رسانه‌ای کار کشته هم به شمار می‌آید. این عجز به اجنبی با به بازی گرفتن استقلال - یا آنطور که برخی پیشکسوتان باشگاه گفته‌اند با گروگان گرفتن احساسات و عواطف هواداران وطنی - در حال اجرای نقشه‌ای دقیق برای دریافت تمام رقم ۶۰۰ هزار یورپی سال اول قراردادش آن هم در مقطعی نرسیده به نیم‌فصل است، بدون اینکه تضمینی جدی برای بازگشتش به ایران بدهد.

این واقعیتی بود که ۴ ماه پیش یکی از موفق‌ترین منابع اخبار فوتبال جهان آن را فاش کرد اما باور نمی‌کردیم. در نخستین هفته‌های لیگ برتر که استقلال هنوز در زمین و جدول سیمایی یک تیم بحران‌زده را داشت و تصویری که از سرمربی جدید و جوان ایتالیایی‌اش در رسانه‌های بین‌المللی منعکس می‌شد، یک تکنیسین ناراضی و به سوتو آمده از شرایط کاری‌اش در ایران بود، جان لوکا دی‌مارتسیو، سوپرزورنالیست معروف ایتالیایی، به فوتبال ایران شوک داد. او که اعتبارش را از برملا کردن پشت پرده قراردادهای و نقل‌وانتقالات بزرگ‌ترین ستاره‌های فوتبال اروپا به دست آورده است، فاش کرد استراماچونی از شرایط کاری خود در تهران راضی نیست - از جمله به خاطر منتفی شدن حق دلایی‌اش به خاطر عدم جذب بازیکنانی از کالجو که مدیر برنامه‌های او به استقلال معرفی کرده بود - و دیر یا زود جدا می‌شود.

البته استرا به عنوان یک فاعل‌تحت‌تحصیل رشته حقوق بخواهی می‌دانست که طبق قوانین فیفا، اگر یک مربی رأساً اقدام به ترک پست خود کند، نمی‌تواند انتظار دستمزد یا غرامت از باشگاه داشته باشد، پس از

همان زمان صحنه‌ارایی هنرمندانه‌ای را برای مقصر جلوه دادن باشگاه آغاز کرد و در نهایت به لطف سوءمدیریت مدیران دولتی استقلال مبنی بر تاخیر در پرداخت بموقع قسط اول دستمزد مرد ایتالیایی، او در اوج نتایج خود، بهانه لازم برای ترک ایران را پیدا کرد. از آنجا که اخبار مندرج در رسانه‌های معتبر در دعوی مطرح شده در دادگاه‌های فوتبال (فیفا چمبر) یا دادگاه عالی ورزش (CAS) به طور جدی مورد استناد قرار می‌گیرند می‌توان متوجه شد که چرا استراماچونی تمام هم و غمش را بر رسانه‌ای کردن شرایط خود قبل و بعد از ترک تهران گذاشته بود.

در نهایت وقتی او موفق شد با قرار دادن افکار عمومی در مقابل دولت، موضوع دریافت مطالبه معوق ۱۶۰ هزار یورپی خود را برای ما ایرانی‌ها تبدیل به مسأله‌ای حکومتی کند و باعث گشوده شدن پای وزارت امور خارجه و بانک مرکزی ایران برای حل اختلاف شود، اصرار او بر نیامدن و دریافت پول بیشتر نقشه‌وی را لو داد. کار به جایی کشید که به قول سفیر ایران در رم، شخص او و کارمندان سفارتخانه به همراه حمید معصومی‌نژاد از رم، مجبور شده بودند طوری تن به التماس از یک مربی فوتبال برای بازگشت به نیمکت استقلال بدهند که تاکنون برای حل مشکلات کلان‌تر سیاسی و اقتصادی کشور اینچنین به‌وزیر خارجه ایتالیا یا موگرنی، رئیس ایتالیایی پیشین روابط خارجه اتحادیه اروپایی رو نکرده بودند.

فقط همین اسمال، پرونده‌های متعدد شکایت یا اختلافات مالی هم‌زمان استراماچونی از کارلوس کیروش و وینفرد شفر گرفته تا برانکو ایوانکوویچ و مارک ویلموتس، فوتبال ما و به شکل گسترده‌تری افکار عمومی را به چالش کشیده است.

مثل اغلب از دواچ‌های منجر به طلاق میان تیم‌های ایرانی و سس‌گلی‌های خارجی‌شان از صنف مربی یا بازیکن در سال‌های اخیر، اینجا هم پای یک قرارداد بزرگداشت دستاورد دولت بنفش، جنگلی دشمن به جان برجام می‌کشیدند.

بیگانه‌پرستی شرم‌آور در متن پدیده استراماچونی همه این مقدمه‌چینی‌ها برای این نبود که گناه سوءمدیریت دولت و باشگاه استقلال در این غائله را بشوینیم، برعکس، این برای یادآوری رفتار مشابهی بود که یک مربی اجنبی و یک سیاستمدار داخلی برای بازی با استقلال ما داشتند.

البته حرجی به یک مربی جوان اروپایی نیست که تازه در مدت کوتاه حضورش در فوتبال کشورمان عملکرد فنی موثقی هم داشته است.

بعلا این حال مثل همیشه موفقیت موضوعی نسبی است و اگر از هواداران ن‌آزوری ایتالیا درباره استراماچونی تپرسید، آنها برخلاف عبارات عاشقانه هسته‌های اخیر آبی‌های تیفوسی تهران در وصف او، سرمربی بی‌تجربه‌ای را که اینترمیلان را تا پایین‌ترین رتبه نیم قرن اخیرش یعنی رده نهم جدول کالجو پایین کشید، لعن و نفرین می‌کنند.

دست‌کم ما به او چشم یاری و از او انتظار وفاداری نداشته‌یم اما همین مستشار فرنگی، معرف پدیده‌های چه بسا مهم‌تر از نفس سوءمدیریت فوتبال شدت دولت زده ما - به عنوان نمادی از سوءمدیریت کلان دولت حسن روحانی و تیم تکنوکرات‌های شبه‌اجنبی در این ۶ سال - است؛ پدیده‌ای که می‌توان از آن به «برون‌سپاری مقبولیت اجتماعی» توسط دولت فعلی یاد کرد یا به بیان بهتر، گرو گذاشتن سرمایه اجتماعی کشور در بانک‌های رسانه‌ای دستگاه سلطه غرب.

غائله استراماچونی باهمان مواجهه اکثریت هواداران با باشگاه خودشان بر سر ماندن یک مربی خارجی که هیچ تعهد حقیقی به باشگاه و هوادارانش ندارد، حکایتی شبیه همان توافق برجام دارد.

استرا علیه باشگاه شوریدند، کمتر از ۵ ماه از شب گذایی ۲۴ تیرماه می‌گذشت که تنها ۴ سال پس از آن جشن فرمایشی برجام، مردم ایران به جای بزرگداشت دستاورد دولت بنفش، جنگلی دشمن به جان برجام می‌کشیدند.

بیگانه‌پرستی شرم‌آور در متن پدیده استراماچونی

ما را به یاد روزی ۷ ساله - از آغاز کارزار تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ ایران - می‌اندازد که در آن افکار عمومی در تب و تاب برون‌رفت از مشکلات داخلی و در غفلت شبکه رسانه‌ای ملی و با ادرس غلط جریان کارگزار و اصلاح‌طلب، به پدرخواندگی هاشمی و سپس شیخ دیپلمات، به در باغ سبز اجنب حواله داده شد.

و بسر همین مبنا بود؛ فریب جامعه با توسل به فضاسازی‌های رسانه‌های آن طرف آبی، مبنی بر اینکه حل مشکلات داخلی تنها در گرو جلب نظر آمریکا و اروپاست، ضعیف‌نمایی موجودیت کشور و بزرگنمایی خصم خارجی، اظهار عجز از رویارویی با غرب توسط تیم دیپلماسی دولت و مقامات ارشد آن، اظهار نظر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه مبنی بر اینکه تنها یک بمب آمریکا تمام توان دفاعی ما را نابود می‌کند، مویه‌های مکرر روحانی و معاونانش درباره خزانه خالی که البته به لطف برجام خالی‌تر شد، اینکه در محاصره تحریم‌های ظالمانه اسیر شده‌یم و برای ادامه بقا، آخرین راه‌حل موجود مذاکره با کدخدای دنیاست، اینکه مشکلات معیشتی و حتی مسأله آب شرب و ازدواج نیز منوط به توافق برجام است و آن هم در گرو سیمان گرفتن صنعت هسته‌ای و اینکه پاسپورت ایرانی به لطف برجام دوباره اعتبار پیدا می‌کند، اما امری حلقه تحریم‌ها تنگ‌تر از پیش از برجام شده است؛ برجامی که آمریکا بسادگی آن را به گروگان گرفت؛ روزی که حسن روحانی در محل موزه کاپیتولین در ساختمان شهرداری رم کنار پای اسب مجسمه‌های بزرگ به مذاکره پرداخت که متعلق به سرداری رومی، «مار کوس آنورلیوس» مشهور به تاورمار کونده ایرانیان بود.

از توافق هسته‌ای تا توافق فوتبالی

بن‌بست‌های داخلی و سیاست «برون‌سپاری مقبولیت»

روحانی یا استراماچونی چه کسی با استقلال بازی کرد؟

